

در پی حملات هماهنگ آمريکا و اسرائيل به تأسیسات حساس ایران در جریان تنش های نظامی اخیر، تهران اعلام کرد بخشی از همکاری های داوطلبانه خود با آژانس بین المللی انرژی اتمی را به حال تعلیق درمی آورد. رویداد ۲۴ نوشت؛ این تصمیم با واکنش های متفاوتی در سطح بین المللی مواجه شده است؛ برخی تحلیلگران آن را گامی در مسیر تشدید تنش ها دانسته اند، اما مقامات ایرانی می گویند این اقدام، واکنشی بازدارنده و مشروع در چارچوب دفاع از منافع ملی است. از نگاه محافل نزدیک به ساختار تصمیم سازی در ایران، عملکرد آژانس در هفته های منتهی به حمله، به ویژه تصویب قطعنامه پیش از آغاز عملیات نظامی در شورای حکام، زمینه ساز «مشروعیت بخشی بین المللی» به اقدامات نظامی علیه ایران بوده است.

قطع همکاری با آژانس

بر اساس این روایت، تهران با استناد به تجربه های گذشته و ناتوانی آژانس در جلوگیری از حملات اطلاعاتی و نظامی به زیرساخت های هسته ای، اعتمادش به همکاری های فنی را از دست داده است. مقام های ایرانی می گویند همکاری های پیشین که تنها به کاهش فشارها نینجامیده، بلکه بهانه ای برای افزایش آنها در اختیار طرف های غربی قرار داده و در عالی ترین سطح منجر به حمله نظامی شده است. در چنین وضعیتی، علاوه بر قطع همکاری ایران با آژانس، رویکرد ایران تندتر هم شده است.

علاالدین بروجردي، عضو کمیسیون امنیت ملی مجلس، گفته ممکن است ایران برای تأمین سوخت کشتی های اقیانوس پیما به غنی سازی ۹۰ درصدی نیاز داشته باشد. این سخنانکه در گفت وگویی تلویزیونی مطرح شد، با انتقاد کارشناسان روبه رو شده و آن را «سنسجیده» و «تنش زا» توصیف کرده اند.

محمد هاشمی رفسنجانی، عضو پیشین مجمع تشخیص مصلحت نظام، گفت: بر اساس اصول شناخته شده حقوق بین الملل، هیچ کشوری نمی تواند ملت ایران را از حق دفاع مشروع محروم کند. او افزود: اگر در تعامل با نهاد های بین المللی تنش رخ داده، ناشی از عملکرد آنها بوده و ایران در جایگاه واکنش قرار گرفته باشد، نه آغازگر. «هاشمی در ادامه تأکید کرد تصمیم درباره چگونگی دفاع از منافع ملی و امنیت کشور در حوزه صلاحیت نهاد های مسئول است و باید بر پایه تحلیل حقوقی و فنی صورت گیرد. وی در پایان تصریح کرد: مهم آن است که این مسیر با تکیه بر عقلانیت، حکمت و اقتدار پیموده شود تا هم منافع ملت محفوظ بماند و هم دستاویز جدیدی برای فشار های خارجی فراهم نشود.

رفتار گروسی

یک تحلیلگر مسائل بین الملل، نیز با انتقاد شدید از عملکرد آژانس بین المللی انرژی اتمی، گفت نقش این نهاد، به ویژه شخص افاضل گروسی، در تسهیل حملات اخیر علیه ایران انکارناپذیر است. حسن هانی زاده اظهار داشت: پیش نویس قطعنامه سه کشور اروپایی با هدایت گروسی، «زمینه ساز سیاسی حمله نظامی» به ایران بوده است. به گفته وی اسناد و شواهد موجود دل بر همکاری غیرمستقیم آژانس با رژیم صهیونیستی است و «گرایش آشکار گروسی به رژیم اسرائیل، استقلال آژانس را به طور جدی زیر سؤال برده است. وی افزود: یکی از مأموریت های اصلی آژانس، جلوگیری از حمله به تأسیسات صلح آمیز کشورهایی است که تحت نظارت آن فعالیت می کنند، اما آنچه در عمل دیدیم، تبعیت کامل از اراده سیاسی کاخ سفید و تل آویو بود.

هانی زاده تعلیق همکاری های داوطلبانه با آژانس را «واکنشی عقلانی و جد اقلی» توصیف کرد و گفت: در شرایطی که آژانس حاضر به برخورد منصفانه با ایران نیست، ادامه همکاری هیچ سودی برای ما نخواهد داشت. هانی زاده در ادامه با اشاره به اظهارات علاالدین بروجردي درباره غنی سازی اورانیوم خارج از دید آژانس، هشدار داد که اظهارات غیرکارشناسی درباره غنی سازی، می تواند پیام های امنیتی در پی داشته باشد.

وی افزود: این نوع موضع گیری ها در حوزه اختیارات رئیس سازمان انرژی اتمی است و طرح آن توسط دیگران ممکن است دستاویزی برای اقدامات تهاجمی آمريکا و رژیم صهیونیستی فراهم کند. در شرایطی که آتش بس هنوز به صلح پایدار تبدیل نشده، هرگونه موضع گیری باید حساب شده، مسئولانه و هماهنگ با دستگاه های ذی ربط باشد.

امیر آریا زند در گفت وگوبا «آرمان ملی»:

خافلگیری دشمن از تاب آوری جامعه ایران

خاندان پهلوی نوکران خود فروخته

پروژه های استعماری هستند



آرمان ملی - احسان اسقایی: سناریوهای امنیتی ایالات متحده آمريکا در ارتباط با ایران در طول ماه های گذشته و در امتداد سیاست های کلی این کشور به بخش نهایی خود رسیده بود. آمريکا بر اساس سیاست کنترل قدرت منطقه ای تهران، حلقه محاصره را تنگ تر کرد و در نهایت زمانی که به سیاست و خواسته «اورانیوم صفر درصد» در میز مذاکرات دست نیافت، در اقدامی جنایتکارانه در جنگ اسرائیل علیه ایران شرکت و تأسیسات هسته ای ایران را بمباران کرد. به نظر می رسد اسرائیل به عنوان مجری این سناریو، نقشه های دقیقی را در این حمله طراحی کرده بود: اول ضربه به پدافند ایران، دوم ترور مقامات ارشد نظامی کشورمان و در نهایت انتظار داشت با واچ گیری بمباران ها، شرایطی اعتراض گونه در ایران رخ دهد و با حضور مردم در خیابان ها، به خیال خود تکلیف نظام جمهوری اسلامی مشخص شود. آن ها حتی برای جایگزینی نظام فعلی، رهبرانی را برگزیده یا به آنها چراغ سبز نشان داده بودند. رضا پهلوی که در این سال ها به خوبی در رسانه های ضد ملی مانند اینترنشنال پرورش یافته، از منظر آنان نماینده غربی ها برای آرایش نظام

جدید سیاسی در ایران محسوب می شد. اما آنچه را که آنها پیش بینی نمی کردند، رخ داد. در ساعات اولیه، پدافند کشور به عرصه نبرد بازگشت، موشک های ایران بلافاصله به سمت تل آویو شلیک و فرماندهان اصلی نیز معرفی و جایگزین شدند. با شلیک موشک ها ضربات سختی به اسرائیل وارد شد و از سوی دیگر، تمامی منتقدان و حتی بخشی از مخالفان جمهوری اسلامی در خارج از کشور به هر طریق در برابر طرح آخر آنها ایستادند. نه تنها مردم به خیابان ها نریختند، بلکه در مراسم گوناگون در شهرهای ایران شرکت کرده و اثبات کردند که در برابر هر دخالتی - خصوصاً دخالت نظامی - پشت نظام و ایران خواهند ایستاد. «آرمان ملی» برای بررسی جنگ تحمیلی دوم و اتمام جنگ و شرایطی که در درون کشور به وجود آمد با امیر آریا زند عضو شورای مرکزی حزب اتحاد ملت به گفت وگو پرداخته است. او اعتقاد دارد یامردی مردم توانست نقشه شوم اسرائیل را از بین ببرد و مردم ایران استقلال کشورشان را در هر شرایطی در نظر دارند. در ادامه این گفت وگوری خوانید.

به رغم پاسخ قدرتمند تهران، نمی توان از برتری تکنولوژی نظامی دشمنان چشم پوشید. با وجود این برتری، چرا آنها به اهداف خود در سرنگونی نظام نرسیدند؟

آنچه باعث شکست آنها در اجرای طرح هایشان شد، پیوند اجتماعی بود که بین آحاد شهروندان به وجود آمد. شهروندانی که به جالش های اقتصادی معترض بودند، زمانی که پای متجاوز رژیم خبیث صهیونیستی در میان آمد، با تمام توان برای دفاع از کشور خود به میدان آمدند و همین همبستگی باعث تاب آوری اجتماعی شد. در نتیجه، دشمن برای رسیدن به اهدافش ناامید شد و کار به سمتی پیش رفت که انتظار داشتن خودشان متحمل خسارات بیشتر و غیرقابل جبران شدند. صهیونیست ها خیلی زود متوجه شدند که اگر درگیری ادامه پیدا کند، بنیان های اجتماعی و سیاسی شان از بین می رود و در نتیجه، با درمیان کشاندن برخی کشورها ایران را به توقف جنگ راضی کردند.

آینده را در پس این جنگ تحمیلی چگونه می بینید؟

در پس هر بحرانی، پنجره ای از فرصت به وجود می آید تا فرصت های از دست رفته را جبران کنیم. از فضای همبستگی فعلی باید استفاده شود تا اگر اشتباهی در راستای حفظ و انسجام اجتماعی بوده، آن را تصحیح کنیم. اکنون نخبگان علمی و آکادمیک باید نقش تاریخی خود را ایفا کنند و از این فرصت برای تقویت همبستگی ملی و دفاع میهنی استفاده کرده و از افتادن به دام تحلیل هایی که موجب انشقاق شود، بپرهیزند. همه باید نقش خود را در شرایط کنونی برای تقویت و انسجام اجتماعی ایفا کنند.

غربی ها حتی در این مسیر بر روی گزینه های جایگزین حساب باز کرده بودند و احتمالاً رضا پهلوی را هم به عنوان جانشین برگزیده بودند. این پروژه اکنون در چه وضعیتی است؟

واقعاً مشخص نیست که اسرائیل با چه منطقی بر روی چنین دلقی سرمایه گذاری کرده بود. این دون شأن ملت ماست که چنین افرادی به عنوان جانشین نظام کنونی انتخاب شوند. هر چند خود فروختگی هایی در این خاندان - از پدر بزرگ تا پدر تافرد کنونی - مشخص است. این فرد تن به هر سناریویی می دهد تا بتواند در خلال ترجمات دشمنان، جایگاهی برای خود طراحی کند و رویاهایی بیافد. اما انواع و اقسام تلاش های رسانه ای دشمن با پدافند رسانه ای کشور عزیزمان مواجه شد. روشنگری هایی که در عرصه رسانه در این مدت رخ داد، کم از مجاهدت های نظامی ندارد. اکنون بسیاری از ابرها کنار رفته و اگر برخی در خلال بحران های گذشته همدلی هایی با این دلقک خود فروخته پیدا کرده بودند، این آنها مسجل شده که این خاندان دلسوز مردم نیستند و خلاف منافع ملی حرکت می کنند. این شکست فاحشی بود که مجموعه اپوزیسیون اکنون تجربه کرده و با همین آگاهی شاید تا سالیان سال نظام ما بیمه شود.

حسین کنعانی مقدم:

تجهیزات ما باید قدرت مقابله با هرگونه عملیات خافلگیرانه را داشته باشد

این است که در دفاع غیرنظامی یا به عبارتی دفاع غیرعامل، ما باید همیشه منتظر باشیم که تجهیزات و امکانات ما در مقابل عملیات خافلگیرانه صهیونیست ها و آمريکا قدرت مقابله داشته باشند. بر اساس تئوری های بن گوریون در رژیم صهیونیستی، آن ها همیشه دنبال عملیات غافل گیرکننده، مؤثر و سریع هستند و ما هم باید بر اساس این تئوری ها خود را مجهز و آماده کنیم. کنعانی مقدم تصریح کرد: خصوصاً در بحث دفاع غیرعامل، که همه مردم باید حضور داشته باشند و تمام دستگاه ها و تجهیزات و امکانات کشور باید قدرت مقابله با چنین عملیات پیش دستانه ای را داشته باشند. با توجه به اینکه جنگی که درگیر آن هستیم، یک جنگ ترکیبی یا هیبریدی است و آن ها از سیستم های آفندی، سایبری، اطلاعاتی، امنیتی، نظامی، اقتصادی و تخریبی استفاده می کنند و در مقابل ما تنها رژیم صهیونیستی نیست، بلکه آمريکا و هم پیمانان ناتو و سنتکام هم مقابل ما قرار دارند. بنابراین، ما

شواهد نشان می دهد که اگر آتش بس رخ نمی داد، ضعف شدیدی کلان حاکمیت رژیم صهیونیستی را در بر می گرفت. آمريکایی ها ضربات ایران به اسرائیل را مشاهده کردند و به نفع اسرائیل وارد جنگ شدند

مداخله نمی کرد، ضربه های بسیار شدیدی به اسرائیل وارد می شد.

اکنون در شرایط شبه جنگی که وجود دارد، چقدر این شرایط در کنترل ایران است؟

بعد از ضربه به سلسله مراتب فرماندهان نظامی، با انتخاب سریع فرماندهان به خوبی نشان داده شد که سازمان رزم کشور منسجم تر و محکم تر از تصور دشمنان است و با توجه به پاسخ تهران، نگرانی در این ارتباط وجود ندارد. در بعد دیپلماسی نیز تلاش مجدانه ای در دستور کار قرار گرفت. دیپلمات های ایران و وزیر امور خارجه کشورمان دکتر عراقچی در این جنگ در سازمان ملل و نهادهای بین المللی تلاش کردند تجاوز اسرائیل را محکوم کنند. در نتیجه، اکنون ایران هم در حوزه نظامی و هم در حوزه دیپلماتیک دست برتر را دارد. در شرایط کنونی باید از فرصت آتش بس برای ترمیم تجهیزات پدافندی استفاده کرد و برای گسترش تجهیزات آفندی نیز کوشش نمود. این مورد احتمالاً در دستور کار است و به قول معروف دست نظامیان ایران روی ماشه است تا در صورت تجاوز اسرائیل این بار در همان ساعات ابتدایی پاسخ ویران کننده به تل آویو داده شود، چرا که اکنون هیچ نشانه ای مبنی بر پایان شیطنت متجاوزان دیده نمی شود و هر ثانیه باید هوشیار بود.

دست نظامیان ایران روی ماشه است تا در صورت تجاوز اسرائیل این بار در همان ساعات ابتدایی پاسخ ویران کننده به تل آویو داده شود، چرا که کنون هیچ نشانه ای مبنی بر پایان شیطنت متجاوزان دیده نمی شود

حسین کنعانی مقدم:

دبیرکل حزب سبز ایران درباره لزوم حفظ انسجام ملی و احتمال نقض آتش بس از سوی اسرائیل گفت: ما بر اساس دوران دفاع مقدس عبرت های زیادی آموخته ایم که بر اساس آن باید همیشه آماده دفاع باشیم و هیچ گاه نباید دچار غفلت از اقدامات دشمن شویم. در دوران دفاع مقدس این تجربه برای ما حاصل شد که دشمن قابل اعتماد نیست و باید ما در مقابله با دشمن همیشه مجهز و آماده باشیم. حسین کنعانی مقدم گفت: نکته بعدی این است که یکی از مهم ترین مسائلی که در بحث دفاع مطرح است، این است که ما باید با دشمن ابتدار خارج از مرزها مواجه شویم و آن ها را در خارج از مرزها متوقف کنیم. در دکتینر جنگ موانع، طوری باید اقدام کنیم که دشمن را در خارج از خاک خود متوقف کنیم. به همین خاطر، بر اساس همین استراتژی، موشک های دوربرد و مؤثر ما یکی از دستاورد های مهم مقابله با تهدیدات نظامی هستند. این فعال سیاسی اصولگرایان کرد: مساله بعدی

درهین

خسارت های هوایی ایران از جنگ ۱۲ روزه چقدر بود؟

درآمدی که از آسمان رفت و مسافرانی که چشم انتظار بازپرداخت پولشان هستند

پس از جنگ ۱۲ روزه ایران و اسرائیل که از ۲۳ خرداد آغاز شد و با حملات بی سابقه دو طرف به زیرساخت های نظامی و غیرنظامی همراه بود، ابعاد خسارت های اقتصادی این درگیری فراتر از حوزه انرژی و مبادلات تجاری گسترش یافت. یکی از مهم ترین این تبعات، اختلال در صنعت حمل و نقل هوایی کشور است؛ چه در بخش بین المللی یا لغو پروازهای عبوری از آسمان ایران و چه در حوزه داخلی با توقف گسترده پرواز ها و سردرگمی میلیون ها مسافر. با آغاز جنگ ۱۲ روزه بین ایران و اسرائیل در بامداد ۲۳ خرداد ۱۴۰۴ و افزایش خطرات امنیتی، بسیاری از شرکت های هواپیمایی خارجی به سرعت پرواز های عبوری خود از آسمان ایران را لغو کردند.

اقتصاد ۲۴ نوشت: در همین حال، با شروع جنگ، سازمان هواپیمایی فدرال آمريکا (FAA)، یاتا (IATA) و چند کشور اروپایی هشدار رسمی صادر کردند و مسیر پرواز ها به سمت جنوب خلیج فارس، آسیای مرکزی و شرق آفریقا تغییر یافت؛ به طوری که مسیرهای پروازی به جای مسیرهای قبلی، از آسمان ترکیه، ترکمنستان یا عربستان سعودی عبور می کنند.

این در حالی است که طبق آمار های رسمی، روزانه حدود ۹۵۰ پرواز عبوری از آسمان ایران ثبت می شد که درآمد مستقیم هر پرواز بین ۵۰۰ تا ۹۰۰ دلار برای دولت ایران بود. حال به راقام زیر توجه کنید که حتی با فرض توقف ۸۰ درصد پرواز ها طی ۲۰ روز نخست (۱۲ روز جنگ و ۸ روز پس از آن)، میانگین زیان روزانه به رقمی حدود ۶۰۰ هزار دلار رسیده است.

زیان تقریبی در یک دوره ۲۰ روزه نیز به رقمی حدود ۱۲ میلیون دلار می رسد. حال تصور کنید اگر ۱۰۰ درصد پرواز ها کنسل شود و با میانگین رقم کنسلی یعنی ۷۰۰ دلار فقط محاسبه شود؛ به رقمی حدود ۶۶۵ هزار دلار می رسیم که این رقم در ۲۰ روز به رقمی حدود ۱۴ میلیون دلار خواهد رسید و این در حالی است که پرواز ها به صورت میانگین حساب شده نه بالاترین رقم برای هر پرواز که حدود ۱۰۰۰ دلار است.

هم چنین با تداوم وضعیت در تیر ماه نیز برآورد شده که دست کم ۲۰ درصد از پرواز های عبوری هنوز بازنگشته اند، که زیان را به بیش از ۲۰ میلیون دلار در کمتر از دو ماه می رساند. در کنار زیان مالی مستقیم، کاهش عبور پرواز ها ضربه مهمی به اعتبار امنیت هوایی ایران وارد کرده که بازایی آن نیاز به مذاکرات گسترده با آژانس های بین المللی، سرمایه گذاری در زیرساخت ها و تضمین های امنیتی جدی دارد.

برآورد ارقام نیز در حالی است که امیر رضا اعتمادی، عضو اتاق بازرگانی ایران هم اخیراً گفته است که تعلیق کامل پرواز های تجاری بر فراز ایران از ۲۴ خرداد تا ۱۳ تیر ۱۴۰۴، که به مدت ۲۰ روز به طول انجامید، خسارتی بالغ بر ۹۰۰ میلیارد تومان به اقتصاد کشور تحمیل کرده و ضصف های ساختاری در دو صنعت کلیدی هوانوردی و گردشگری را آشکار ساخته است.

معللی شهروندان

این توضیحات نیز در حالی ارائه شد که باید توجه داشت که همزمان با بالا گرفتن درگیری ها و هشدار های امنیتی، بخش عمده ای از پرواز های داخلی و بین المللی ایران کنسل یا تعلیق شد. چنانچه که بر اساس داده های غیررسمی حدود ۲۰ میلیون بلیت پرواز داخلی و ۲۵۰ هزار بلیت پرواز خارجی لغو یا تعلیق شده است.

با توجه به این ارقام می توان میزان تخمینی بازپرداخت مورد نیاز ایرانیان ها را به شرح زیر ارزیابی کرد: پرواز های داخلی بیش از ۳۵۰۰ میلیارد تومان؛ پرواز های خارجی: حدود ۸۰۰ میلیون دلار و این بدان معناست که اکنون وضعیت ناسامان ایرانیان های داخلی که پیش از جنگ نیز بسیار روشن بود حتی بدتر نیز شده است.

در همین حال برخی خبر ها حکایت از آن دارد که بخشی از شرکت های هواپیمایی با تخاری یا قسطنی اقدام به بازپرداخت کرده اند، اما طبق گزارش های مردمی و منابع رسمی گفته می شود که تنها حدود ۵۵ درصد از بازپرداخت ها انجام شده و بقیه مسافران یا منتظر هستند یا با «کوپن جایگزین سفر» مواجه شده اند که هنوز عملیاتی نشده است.

خسارت ایرانیان های داخلی

این در حالی است که مدیر روابط عمومی سازمان هواپیمایی کشوری در توضیح زیان های سنگین به ایرانیان گنیز گفته است: «شاید شرکت های هواپیمایی در این مدت خسارت های اقتصادی سنگینی متحمل شده باشند، اما طبق دستور العمل های سازمان هواپیمایی کشوری، موظف اند تمام وجه را بدون هیچ گونه کسری به مسافران بازگردانند.

با گذشت کامل و جوه قطعی است و مردم باید با صبوری، شرکت ها را در تکمیل این فرایند همراهی کنند.» در این بین مساله ضرر مستقیم ایرانیان ها می تواند آنان را حتی به مرز ورشکستگی نیز بکشاند، چرا که حالا علاوه بر بازپرداخت پول بلیت ها، هزینه هایی شامل توقف عملیات، نگهداری هواپیما، حفظ پرسنل و کاهش فروش بلیت برای فصل تابستان را نیز پیش رو دارند. در چنین شرایطی برآورد ها نشان می دهد مجموع خسارت ایرانیان های داخلی تا کنون به بیش از ۹۰۰۰ میلیارد تومان رسیده است.

در چنین شرایط بحرانی به نظر می رسد ایرانیان ها برای عبور از این گردنه بیش از همیشه به کمک دولت نیازمند هستند و به نظر می رسد دستکم فعلا سه پیشنهاد اصلی برای اجرایی شدن و نجات ایرانیان ها در دست بررسی است: نخست ارائه بسته حمایتی دولتی به ایرانیان ها، مشابه تسهیلات کرونایی (وام کم بهره یا بخشودگی مالیاتی). دوم تشکیل صندوق اضطراری مشترک با همکاری سازمان هواپیمایی، بانک مرکزی و بیمه مرکزی برای پرداخت بدهی به مسافران. سوم استفاده از ابزار های مالی مانند اوراق با بدهی کوتاه مدت برای تأمین نقدینگی سریع به شرکت ها.